

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۲۶.۰۷.۱۰

نامه سرکشاده عیسی سحرخیز به رئیس قوه قضائیه:

به پرونده آمران رسیدگی نکنید، به مراجع بین المللی شکایت می کنم! جرس
جرس:

عیسی سحرخیز در نامه سرکشاده ای به رئیس قوه قضائیه با بیان مطالبی که بر وی رفته است، بر حق خود در پیگیری شکایت علیه محسنی اژه ای، احمدی نژاد و رهبری جمهوری اسلامی از طریق مراجع قضایی جهان و مجامع بین المللی تاکید کرده است.

در این نامه در خصوص شکایت علیه رهبری جمهوری اسلامی آمده است: عالی ترین مقام رسمی جمهوری اسلامی که به خود حق دخالت در تمام امور مقننه، مجریه و قضائیه کشور را داده و می دهد و روسای قوا برخلاف روح و مفاد قانون اساسی سخنان و اوامر او را «فصل الخطاب امور» می دانند، در این جریان نقش غیرقابل انکار و تعیین کننده ای دارد، و به تبع این مقام و مسئولیت باید پاسخگوی اعمال افراد تحت امر و تخلفات گسترده باشد.

متن کامل این نامه که نسخه ای از آن در اختیار جرس قرار گرفت به شرح زیر است:
به نام خدا

گفت آن یار کزو گشت سردار بلند

جرمش این بود که اسرار هویدا می کرد

فیض روح القدس از باز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد

ریاست محترم قوه قضائیه، آیت الله صادق آملی لاریجانی

با اهداء سلام

احتمال می دهد از طریق مسئولان زیردست، از جمله ریاست شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب یا رسانه های خبری تاکنون آگاه شده باشید که اینجانب روز یکشنبه ۲۷/۴/۸۹ در جریان محاکمه ام در شعبه فوق الذکر، از آمران و عاملان ضرب و جرح و شکنجه منتهی به شکستگی استخوان سینه، پارگی تاندون شانه چپ و کبودی ها و جراحات دیگر اعضای بدنم، شکایت کتبی کردم. این افراد عبارتند از: آقای محسنی اژه ای، وزیر اطلاعات؛ محمود احمدی نژاد،

رئیس جمهور وقت؛ و ...، رهبری جمهوری اسلامی. افرادی که به‌عنوان آمران و عاملان، یا کسانی که طی یکسال گذشته در برابر این تخلفات علنی و مظالمی که علیه من و خانواده‌ام انجام شده، سکوت توأم با رضا کرده‌اند، از جمله «متشاکیان عنهم» بوده‌اند.

لازم است بدانید نقش حجت‌الاسلام اژه‌ای، دادستان کل کشور کنونی، «ویژه» بوده است. ایشان فردی است که در زمان‌های گوناگون و در پست‌های مختلف شخصاً به ضرب و شتم دستگیرشدگان می‌پرداخت؛ ایشان همان کسی است که در جایگاه ریاست دادگاه ویژه روحانیت، ظلم عظیمی را به دستور ...، رهبری نظام جمهوری اسلامی، علیه مرحوم آیت‌الله العظمی منتظری، بیت ایشان و شاگردانش روا داشت؛ آقای محسنی اژه‌ای همان کسی است که در جایگاه معاون قوه قضائیه، در جلسه رسمی هیأت نظارت بر مطبوعات، اقدام به پرتاب قندان به‌سوی نماینده مدیران مطبوعات کشور کرد که منجر به کبودی شدید کمر بنده شد، و بعد با گاز گرفتن شانهم، مرا زخمی کرد؛ که براساس مندرجات گزارش پزشکی، باید حد قانونی «قذف» در چند مورد علیه وی (تا ۷۴ ضربه شلاق در ملاعام) اعمال شود.

آقای محسنی اژه‌ای در رأس افرادی قرار دارد که اینجانب علیه آنان شکایت کرده‌ام، چون مأموران تحت امر ایشان، مرا در زمان دستگیری زیر ضربات مشت و لگد گرفته و شکنجه کرده‌اند. به‌گونه‌ای که در جریان این برخورد خشن، اصل ۳۸ قانون اساسی، ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی، و ماده ۵ اعلامیه فوق بشر نقض شده است (به شرح صفحات ۲ و ۳ دفاعیه‌ام).

در این میان، محمود احمدی‌نژاد که مسئول مستقیم محسنی اژه‌ای در زمان قوع جرم آنان (۱۲/۴/۸۹) بوده، به تبع مقامش و مطابق نص صریح قانون ساسی، از جمله اصول ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۶ و ۱۳۷ باید پاسخ‌گوی این اقدام‌های جرمانه باشد.

و بالاخره ...، عالی‌ترین مقام رسمی جمهوری اسلامی که به خود حق دخالت در تمام امور مقننه، مجریه و قضائیه کشور را داده و می‌دهد و روسای قوا خلاف روح و مفاد قانون اساسی سخنان و اوامر او را «فصل‌الخطاب امور» می‌دانند، در این جریان نقش غیرقابل انکار و تعیین‌کننده‌ای دارد، و به تبع این مقام و مسئولیت باید پاسخ‌گوی اعمال افراد تحت امر و تخلفات گسترده باشد.

پرسش این است که چرا ایشان در قبال جنایات کهریزک دخالت مستقیم می‌کند - هرچند تاکنون به زیان تعدادی از خانواده‌های تحت جنایت و افراد تحت ستم - اما در قبال جنایات و شکنجه‌های صورت گرفته در بازداشتگاه‌های مختلف زندان اوین (از جمله بندهای ۲۰۹، ۲۴۰ و ۲ الف) سکوت می‌نماید، و حتی موجبات ارتقای مقام وزیر اطلاعات وقت را که نقش مستقیمی در این فشارهای روحی و جسمی داشته، فراهم می‌کند؟ طرفه اینکه ایشان، آقای محسنی اژه‌ای را به کرات عضو تیم‌های رسیدگی به جرم و جنایت‌ها و قانون‌شکنی‌ها می‌کند.

اینجانب تا روز ۲۷/۴/۸۹، یعنی روز برگزاری دادگاهم، امکان طرح شکایت نداشته‌ام، درحالی‌که به شرح مندرجات پرونده‌ام از همان روز اول انتقال به اوین خواستار دسترسی به پزشکی قانونی و اقامه دعوا علیه آمران و عاملان شکنجه بوده‌ام؛ درخواست به حقی که هیچگاه از جانب مأموران وزارت اطلاعات تحت ریاست محسنی اژه‌ای و مسئولان زندان اجابت نشد. این درخواست حتی در زمان ملاقات نمایندگان سه قوه و دادستان جدید تهران، آقای جعفری دولت‌آبادی مطرح گردید اما کوچکترین قدم مثبتی در این راه برداشته نشد. دادستان تهران در تاریخ ۱۳/۴/۸۹، برای دیدار با زندانیان سیاسی به زندان رجایی‌شهر آمد؛ ایشان در این دیدار قول رسیدگی به شکایت اینجانب و دسترسی‌ام به پزشکی قانونی را عنوان کرد، اما با وجود گذشت سه هفته، هنوز هیچ کاری صورت نگرفته است.

اینجانب در این نامه‌ی سرگشاده اعلام می‌دارم که اگر طی یک ماه از تاریخ انتشار نامه، مقدمات تشکیل دادگاه علیه افراد فوق به عمل نیاید، این حق را برای خود محفوظ می‌دانم که از طریق خانم شیرین عبادی، وکیل خود، در مراجع قضایی جهان و مجامع بین‌المللی پرونده‌ای علیه نامبردگان گشوده، و مسئله را به‌گونه‌ای دیگر پیگیری نمایم.
با احترام

عیسی سحرخیز

زندانی رجایی‌شهر کرج

شنبه ۲ مردادماه ۱۳۸۹